

کتاب دانیال - شماره صد و چهارده

آخرین نسل: پرده برداری از تحقق نبوت‌های حزقیال و مهر شدن ۱۴۴ هزار نفر

Jeff Pippenger

2024-03-03

نسلی که شاهد وقوع سومین وای در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بود، آخرین نسل تاریخ زمین است. بخشی از کتاب حزقیال که این حقیقت را تأیید می‌کند، از سوی پیروان میلر به طور مستقیم مرتبط با مثل ده باکره، و از این رو با باب دوم حقوق، فهمیده می‌شد. در آن تاریخ، رؤیای باب دوم حقوق که «دیگر تأخیر نخواهد کرد» و در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ تحقق یافت، پیش‌نمونه‌ای از قانون یکشنبه‌ای بود که به زودی در ایالات متحده برقرار خواهد شد. اما پیشگویی حزقیال درباره رؤیایی که دیگر به تأخیر نخواهد افتاد، به گونه‌ای کامل در تاریخ مهر شدن یکصد و چهل و چهار هزار نفر تحقق می‌یابد؛ تاریخی که با رسیدن سومین وای، در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، آغاز شد.

و کلام خداوند به من رسید و گفت: ای پسر انسان، آن ضرب‌المثلی که در سرزمین اسرائیل دارید چیست که می‌گویید: روزها به درازا کشیده و هیچ رؤیایی تحقق نمی‌یابد؟ پس به ایشان بگو: چنین می‌گوید خداوند خدا: این ضرب‌المثل را از میان برمی‌دارم و دیگر در اسرائیل آن را به عنوان ضرب‌المثل به کار نخواهند برد؛ بلکه به ایشان بگو: روزها نزدیک است و تحقق هر رؤیا. زیرا دیگر در خاندان اسرائیل نه رؤیای باطل خواهد بود و نه غیب‌گویی فریبنده. زیرا من خداوندم؛ سخن خواهم گفت، و سخنی که می‌گویم واقع خواهد شد؛ دیگر به تأخیر نخواهد افتاد؛ زیرا در روزهای شما، ای خاندان یاغی، سخن را خواهم گفت و آن را به انجام خواهم رسانید، می‌گوید خداوند خدا. بار دیگر کلام خداوند به من رسید و گفت: ای پسر انسان، اینک اهل خاندان اسرائیل می‌گویند: رؤیایی که او می‌بیند برای روزهای بسیار آینده است، و او از زمان‌های دور نبوت می‌کند. پس به ایشان بگو: چنین می‌گوید خداوند خدا: دیگر هیچ‌یک از سخنان من به تأخیر نخواهد افتاد، بلکه سخنی که گفته‌ام انجام خواهد شد، می‌گوید خداوند خدا. حزقیال ۲۸-۱۲:۲۱.

همه پیامبران از ایام آخر سخن می‌گویند، و «رؤیای باطل» و «غیب‌گویی چاپلوسانه» در «خانه اسرائیل»، همان «باران پسین جعلی» است، پیامی از «سلامتی و امنیت» که چنین استدلال می‌کند: «رؤیایی که او می‌بیند برای روزهای بسیار آینده است و او از زمان‌های دور نبوت می‌کند.» این همان «مجادله» حقوق است، زیرا آنان که «رؤیای باطل» را ارائه می‌کنند، با «رؤیایی که او می‌بیند» به مخالفت برمی‌خیزند. آنها ادعا می‌کنند که: «رؤیایی که او می‌بیند برای روزهای بسیار آینده است و او از زمان‌های دور نبوت می‌کند.» فرستادگان پیام «سلامتی و امنیت» ادعا می‌کنند: «ایام به درازا کشیده و هر رؤیایی باطل می‌شود»، به هر حال مگر او ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ را پیشگویی نکرد؟ فرستادگان «رؤیای باطل» نیز توسط حزقیال در دو آیه نخست این فصل شناسایی شده‌اند.

کلام خداوند نیز به من رسید و گفت: ای پسر انسان، تو در میان خاندان سرکش ساکن هستی که چشم دارند تا ببینند و نمی‌بینند؛ گوش دارند تا بشنوند و نمی‌شنوند، زیرا آنان خاندان سرکش‌اند. حزقیال ۱:۲، ۲

همه پیامبران با یکدیگر هم‌داستان‌اند و همگی از روزهای آخر سخن می‌گویند، و هنگامی که مسیح در دوران خدمت خود خطاب به یهودیان بهانه‌جو سخن گفت، برای معرفی همان یهودیان بهانه‌جو که در آن زمان از خدا جدا شده بودند، از اشعیا نقل کرد که «چشم دارند و نمی‌بینند و گوش دارند و نمی‌شنوند». اکنون نیز همچون آن زمان، حزقیال خطاب به مردان استهزاگر ادونتیسیم لائودکیایی، یعنی یهودیان بهانه‌جوی روزگار ما، سخن می‌گوید؛ آنان که پیامی از «صلح و امنیت» پیشنهاد

می‌کنند، در مخالفت با پیام «باران پسین». عیسی مطابق با قواعدی که خود در کلامش نهاده بود عمل می‌کرد؛ پس پیشگویی‌های او نیز به شکلی خاص‌تر متوجه روزهای آخر است تا روزهایی که در آن یهودیان بهانه‌جو را خطاب می‌کرد.

از این رو با ایشان به مثل‌ها سخن می‌گوییم؛ زیرا در حالی که می‌بینند، نمی‌بینند؛ و در حالی که می‌شنوند، نمی‌شنوند و نمی‌فهمند. و در ایشان نبوت اشعیا تحقق می‌یابد که می‌گوید: «با شنیدن خواهید شنید و نخواهید فهمید؛ و با دیدن خواهید دید و ادراک نخواهید کرد؛ زیرا دل این قوم کند شده است، و گوش‌هایشان در شنیدن سنگین شده، و چشمان خود را بسته‌اند؛ مبادا روزی با چشمان خود ببینند و با گوش‌های خود بشنوند و با دل خود بفهمند و بازگشت کنند و من ایشان را شفا دهم.» اما خوشا به حال چشمان شما، زیرا می‌بینند؛ و گوش‌های شما، زیرا می‌شنوند. زیرا به راستی به شما می‌گویم که بسیاری از پیامبران و پارسایان آرزو داشتند آنچه را شما می‌بینید ببینند و ندیدند؛ و آنچه را شما می‌شنوید بشنوند و نشنیدند. متی ۱۳:۱۳-۱۷.

این پدیده که مردمی می‌شنوند، اما نمی‌شنوند، و می‌بینند، اما نمی‌بینند، ویژگی قوم پیشین خداست که در حال کنار گذاشته شدن‌اند. آن پدیده نبوی تحقق نبوت اشعیا درباره چنین وضعیتی است. چنان‌که همه پیامبران چنین‌اند، اشعیا نیز، به همراه مسیح، از ایام آخر سخن می‌گوید.

در سالی که عزیا پادشاه درگذشت، خداوند را نیز دیدم که بر تختی بلند و برافراشته نشسته بود و دامن ردایش هیکل را پر کرده بود. بر بالای آن سرافین ایستاده بودند: هر یک شش بال داشت؛ با دو بال روی خود را می‌پوشاند، با دو بال پاهای خود را می‌پوشاند، و با دو بال پرواز می‌کرد. یکی به دیگری ندا می‌داد و می‌گفت: قدوس، قدوس، قدوس است خداوند لشکرها؛ تمامی زمین از جلال او پر است. آستانه‌های در به آواز آن که ندا می‌داد به لرزه درآمد و خانه از دود پر شد. آنگاه گفتم: وای بر من، زیرا هلاک شدم؛ چون مردی با لب‌های ناپاک هستم و در میان قومی با لب‌های ناپاک ساکنم، زیرا چشمانم پادشاه، خداوند لشکرها را دیده است. آنگاه یکی از سرافین به سوی من پرواز کرد؛ در دست خود زغال گداخته‌ای داشت که آن را با انبر از مذبح گرفته بود. آن را بر دهانم نهاد و گفتم: اینک این لب‌هایت را لمس کرده است؛ تقصیرت برداشته شد و گناهت پاک گردید. نیز آواز خداوند را شنیدم که می‌گفت: چه کسی را بفرستم و کیست که برای ما برود؟ گفتم: اینک من؛ مرا بفرست. او گفت: برو و به این قوم بگو: هرچند می‌شنوید، نمی‌فهمید؛ و هرچند می‌بینید، درک نمی‌کنید. دل این قوم را کند ساز، گوش‌هایشان را سنگین کن و چشمانشان را ببند، مبادا با چشمان خود ببینند و با گوش‌های خود بشنوند و با دل خود بفهمند و بازگشت کنند و شفا یابند. اشعیا ۶:۱-۱۰.

اشعیا، حزقیال و مسیح همگی نماینده کسانی هستند که در روزهای آخر، در هنگام باران پسین، زمانی که درباره پیام درست و نادرست باران پسین بحث و جدل در جریان است و در تحقق باب دوم حقیوق، مهر می‌شوند. بنا بر سخنان عیسی، در دوره‌ای که این امور تحقق می‌یابد، عادلان «مثل‌ها» را می‌بینند که نمادی از نبوت است. «خردمندان» پیام نبوی باران پسین را درمی‌یابند، اما کسانی که نمادشان یهودیان خرده‌گیرند نه می‌بینند و نه می‌شنوند، و به گفته حزقیال، آنان پیامی از «سلامتی و آمان» عرضه می‌کنند و استدلال می‌کنند که تحقق پیشگویی‌ها در آینده‌ای دور است. آنان پیشگویی‌ها را انکار نمی‌کنند؛ یهودیان خرده‌گیر به آمدن مسیح به زبان اعتراف می‌کردند؛ اما صرفاً آن واقعه را به آینده‌ای دور موکول می‌کردند. با این همه، عیسی بر کسانی که پیام نبوی زمان خود را «می‌بینند» برکت اعلام کرد.

در روزگار مسیح، آن پیام در هنگام تعمید او، زمانی که روح‌القدس نازل شد، رسید. نزول روح‌القدس در تعمید او، پیش‌نمونه نزول فرشته مکاشفه فصل ده در 11 اوت 1840 بود. نزول الهی در هر دو تاریخ، نشانه رسیدن پیام حقیقت حاضر آن عصر بود؛ برای عیسی، آن پیام مرگ و رستاخیز او بود،

چنان‌که تعمیدش آن را نمایان می‌کرد. برای پیروان میلر، آن پیام اسلام مربوط به وای نخست و دوم بود که پیام آزمایشی نبوت زمانی را تأیید کرد. هر دوی آن تاریخ‌ها با رسیدن پیام آزمایشی باران دیرهنگام در 11 سپتامبر 2001 هم‌راستا هستند. از این روست که خواهر وایت چنین می‌نویسد:

تمام پیام‌هایی که در سال‌های ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴ داده شده‌اند، اکنون باید با قوت بیان شوند، زیرا بسیاری از مردم جهت خود را گم کرده‌اند. این پیام‌ها باید به همه کلیساها رسانده شوند.

مسیح فرمود: "خوشا به حال چشمان شما، زیرا می‌بینند؛ و گوش‌های شما، زیرا می‌شنوند. زیرا هرآینه به شما می‌گویم که بسیاری از پیامبران و صالحان آرزو داشتند آنچه را شما می‌بینید ببینند و ندیدند؛ و آنچه را شما می‌شنوید بشنوند و نشنیدند" [متی ۱۳:۱۶، ۱۷]. خوشا به حال چشمانی که آنچه در سال‌های ۱۸۴۳ و ۱۸۴۴ دیده شد، دیدند.

پیام داده شد. و نباید در تکرار این پیام تأخیری باشد، زیرا نشانه‌های زمان در حال تحقق‌اند؛ کار پایانی باید انجام شود. کار بزرگی در مدت کوتاهی انجام خواهد شد. به زودی به تعیین الهی پیامی داده خواهد شد که به فریادی بلند اوج خواهد گرفت. آنگاه دانیال در نصیب خود خواهد ایستاد تا شهادت خود را بدهد.

توجه کلیساهای ما باید برانگیخته شود. ما بر مرزهای بزرگ‌ترین رویداد در تاریخ جهان ایستاده‌ایم، و نباید شیطان بر قوم خدا تسلط یابد و آنان را در خواب نگه دارد. پاپیت در قدرت خود ظاهر خواهد شد. اکنون همه باید بیدار شوند و کتاب مقدس را جستجو کنند، زیرا خداوند آنچه را که در زمان آخر خواهد بود به وفاداران خود آشکار خواهد کرد. کلام خداوند با قدرت نزد قوم او خواهد آمد...

این چیزی است که به من نشان داده شده است—این‌که ما در خوابیم و زمان دیدار خود را نمی‌دانیم. اما اگر در حضور خدا فروتن شویم و او را با تمامی دل بجوییم، او را خواهیم یافت. انتشار دست‌نوشته‌ها، جلد ۲۱، ۴۳۶-۴۳۸.

پیامی که به صورت نمادین توسط پیام حقیقت حاضر مسیح در تاریخ عیسی مسیح، و پیام حقیقت حاضر سال‌های ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴ نشان داده شده است، به روزهای آخر اشاره می‌کند؛ زمانی که پیام میلری تکرار می‌شود. آنانی که در تاریخ‌ها به عنوان ناتوان از «دیدن و شنیدن» بازنمایی شده‌اند، «زمان تفتیش خویش» را نمی‌شناسند. هنگامی که اشعیا نخستین اشاره را به پیام‌آوران پیام جعلی «باران آخر» - آنان که می‌بینند، اما نمی‌بینند - بیان می‌کند، زمان آغاز این دوره را مشخص می‌سازد؛ دوره‌ای که خواهر وایت درباره‌اش گفت: «پیامی به موعِد مقرر خدا که به فریادی بلند فزونی خواهد یافت.» «موعِد مقرر خدا» نمایانگر زمانی مشخص است که در آن پیام خواهد رسید؛ و اشعیا در آیه سوم باب ششم اشعیا آن زمان را دقیقاً معین می‌کند.

و یکی به دیگری ندا درداد و گفت: قدوس، قدوس، قدوس است خداوند لشکرها؛ تمامی زمین از جلال او پر است. اشعیا ۳:۶.

خواهر وایت تصریح می‌کند که هنگامی که فرشتگان در آن بخشی که اشعیا کسانی را که چشم دارند و می‌بینند، اما نمی‌بینند توصیف می‌کند، به یکدیگر ندا می‌دهند: «قدوس، قدوس، قدوس»، این امر در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تحقق یافته است.

هنگامی که آنان [فرشتگان] آینده را می‌بینند، زمانی که تمام زمین از جلال او پر خواهد شد، سرود پیروزمندان ستایش به صورت نوایی خوش‌آهنگ از یکی به دیگری پژواک می‌یابد: «قدوس، قدوس، قدوس است خداوند لشکرها.» آنان از تمجید خدا کاملاً خشنودند؛ و در حضور او، زیر لیخند رضایتش، چیزی بیش از این نمی‌خواهند. در داشتن شباهت به صورت او، در انجام خدمت او و

پرستش او، والاترین آرمانشان به تمامی برآورده می‌شود. ۲۲، Review and Herald، دسامبر ۱۸۹۶.

در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ مَهر کردن یکصد و چهل و چهار هزار نفر آغاز شد، و باران پسین شروع به نم‌باریدن کرد، و مجادله حقیق آغاز شد، در حالی که مَثَل ده باکره در حال تکرار شدن بود. در آن مقطع، نبوت حزقیال به تحقق کامل خود رسید. کلام نبوی دیگر به تأخیر نخواهد افتاد، و نسلی که شاهد ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بود آخرین نسل کره زمین است، زیرا رؤیای پایان ادونتیسیم بسته شدن دوران آزمایش را در هنگام بازگشت دوم مسیح اعلام می‌کند. شاهد دوم این امر در انجیل لوقا، فصل بیست‌ویکم یافت می‌شود.

براستی به شما می‌گویم، این نسل از میان نخواهد رفت تا همه چیز تحقق یابد. آسمان و زمین از میان خواهند رفت؛ اما سخنان من هرگز از میان نخواهد رفت. لوقا ۲۱:۳۲، ۳۳.

در باب بیست‌ویکم انجیل لوقا، عیسی آخرین نسل تاریخ زمین را مشخص می‌کند. او به تازگی مروری کلی بر روندی تدریجی از تاریخ ارائه کرده است که از ویرانی اورشلیم در سال ۷۰ آغاز می‌شود و تا تاریخ جنبش میلریتی امتداد می‌یابد. سپس از روایت شناسایی مستقیم تاریخ نبوی فاصله می‌گیرد و مثلی عرضه می‌کند که همان تاریخ نبوی ارائه شده را به سادگی تکرار و بسط می‌دهد. بدین‌سان دو شاهد درونی برای همان روایت فراهم می‌کند، و در پایان مشخص می‌کند که «نسلی» که شاهد این رویدادهاست تا بازگشت او زنده خواهد ماند، و بدین ترتیب در چارچوب متن، نسلی را که در قالب یکصد و چهل و چهار هزار نمایندگی می‌شود، شناسایی می‌کند.

تاریخ مَهر شدن آن صد و چهل و چهار هزار نفر، آخرین نسل است و آنان طعم مرگ را نمی‌چشند، هرچند در زمانی زندگی می‌کنند که آسمان و زمین از میان می‌روند.

اما روز خداوند چون دزدی در شب خواهد آمد؛ در آن، آسمان‌ها با صدایی عظیم از میان خواهند رفت و عناصر با حرارتی سوزان ذوب خواهند شد، و زمین و اعمالی که در آن است سوزانده خواهند شد. پس چون می‌دانید که همه این چیزها منحل خواهند شد، شما باید چگونه مردمانی باشید در تمام سلوک مقدس و پرهیزگاری، در حالی که چشم به راه و شتابان به سوی آمدن روز خدا هستید، روزی که در آن آسمان‌ها آتش‌گرفته منحل خواهند شد و عناصر با حرارت سوزان ذوب خواهند شد؟ دوم پطرس ۱:۱۰-۱۳.

بازگشت دوم مسیح در تجلی او نشان داده شد.

موسی بر فراز کوه تجلی، شاهد پیروزی مسیح بر گناه و مرگ بود. او نماینده کسانی بود که در رستخیز عادلان از قبر برخوانند خاست. الیاس که بی‌آنکه مرگ را ببیند به آسمان منتقل شده بود، نماینده آنان بود که در بازگشت دوم مسیح بر زمین زنده خواهند بود و «در یک لحظه، در یک چشم‌به‌هم‌زدن، به هنگام نواخته شدن صور آخر» دگرگون خواهند شد؛ آنگاه که «این فانی باید نامیرایی را بیوشد» و «این فاسد باید بی‌فسادی را بیوشد.» اول قرنتیان ۱۵:۵۱-۵۳. عیسی با نور آسمان پوشیده بود، همان‌گونه که ظاهر خواهد شد وقتی که «برای بار دوم، جدا از گناه، برای نجات» خواهد آمد؛ زیرا او «در جلال پدرش با فرشتگان مقدس» خواهد آمد. عبرانیان ۹:۲۸؛ مرقس ۸:۳۸. وعده نجات‌دهنده به شاگردان اکنون تحقق یافت. بر فراز آن کوه، پادشاهی آینده جلال در مقیاسی کوچک نمایانده شد: مسیح پادشاه، موسی نماینده قدیسان برخاسته، و الیاس نماینده منتقل‌شدگان. اشتیاق اعصار، ۴۲۱.

ایلیا که نمرد، نماینده صد و چهل و چهار هزار نفری است که نمی‌میرند، و موسی نماینده کسانی است که می‌میرند. در روزهای آخر، این دو گروه در فصل هفتم مکاشفه به‌عنوان «صد و چهل و چهار هزار نفر» و «جمعیت عظیم» معرفی شده‌اند. وقتی مهر پنجم در فصل ششم مکاشفه گشوده

می‌شود، به کسانی که در دوران قرون تاریک به دست دستگاہ پاپ کشته شدند، جامه‌های سفید داده می‌شود.

'و چون مهر پنجم را گشود، زیر قربانگاه جان‌های کسانی را دیدم که به خاطر کلام خدا و به خاطر شهادتی که داشتند کشته شده بودند؛ و به آواز بلند فریاد برآوردند و گفتند: تا به کی، ای خداوندِ قدوس و حق، داوری نمی‌کنی و خون ما را از ساکنان زمین انتقام نمی‌گیری؟ و به هر یک از ایشان جامه‌های سفید داده شد [آنان پاک و مقدس اعلام شدند]؛ و به ایشان گفته شد که هنوز اندک زمانی بیاسایند، تا زمانی که هم‌خدمگان و برادران ایشان نیز که باید مانند آنان کشته شوند، کامل گردد' [مکاشفه ۹: ۶-۱۱]. در اینجا صحنه‌هایی به یوحنا نشان داده شد که در واقعیت نبود، بلکه آنچه در دوره‌ای از زمان در آینده خواهد بود. منتشرات دست‌نوشته‌ها، جلد ۲۰، ۱۹۷.

شهیدان می‌پرسند خدا چه زمانی انتقام خون‌شان را خواهد گرفت. یک شهید پیش از آن که کشته شود ایمان عیسی را داشت، زیرا ظهور همان ایمان بود که پاپیت را برانگیخت تا او را به قتل برساند. جامه‌های سفید نمایانگر پارسایی مسیح‌اند، اما جامه‌های سفیدی که به این نفوس کشته‌شده داده شد، پس از شهادت‌شان به آنان عطا گردید. این جامه‌ها نماد شهادت‌اند، نه صرفاً پارسایی مسیح. یک شهید پیش از کشته شدن نیز جامه پارسایی مسیح را دارد. جمعیت عظیم در مکاشفه باب هفتم جامه‌های سفید دریافت می‌کنند و بدین‌سان نمایانگر کسانی هستند که در جریان حمام خون ناشی از قانون یکشنبه‌ای که در راه است می‌میرند. از این‌رو، صد و چهل و چهار هزار نفر با الیاس، و وفادارانی که در خداوند می‌میرند با موسی، در کوه تجلی نمایانده می‌شوند.

آن صد و چهل و چهار هزار نفر، نسلی هستند که نمی‌میرند، و همان نسلی‌اند که مسیح در باب بیست‌ویکم انجیل لوقا به آن اشاره می‌کند؛ یعنی نسلی که وقتی آسمان و زمین زایل می‌شوند، زنده‌اند.

ما این مطالعه را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

قتل هابیل نخستین نمونه دشمنی‌ای بود که خدا اعلام کرده بود میان مار و نسل زن—میان شیطان و تابعان او و مسیح و پیروانش—وجود خواهد داشت. به سبب گناه انسان، شیطان بر نوع بشر تسلط یافته بود، اما مسیح ایشان را قادر می‌ساخت یوغ او را به دور اندازند. هرگاه روحی از راه ایمان به بره خدا، خدمت گناه را ترک کند، خشم شیطان فروخته می‌شود. زندگی مقدس هابیل علیه ادعای شیطان، مبنی بر اینکه نگاه داشتن شریعت خدا برای انسان ناممکن است، شهادت می‌داد. هنگامی که قائن، که از روح آن شریر برانگیخته شده بود، دید نمی‌تواند بر هابیل تسلط یابد، چنان به خشم آمد که جان او را گرفت. و هرچا کسانی باشند که در دفاع از عدالت شریعت خدا بایستند، همان روح علیه آنان ظاهر خواهد شد. این همان روحی است که در طول اعصار چوبه دار را برافراشته و توده‌های آتش را برای شاگردان مسیح افروخته است. اما بی‌رحمی‌هایی که بر پیرو عیسی اعمال می‌شود، به تحریک شیطان و لشکریان اوست، زیرا نمی‌توانند او را وادار کنند که تسلیم سلطه آنان شود. این خشم دشمنی مغلوب است. هر شهید عیسی پیروزمندانه جان سپرده است. پیامبر می‌گوید: «ایشان بر او [آن مار قدیم که ابلیس و شیطان نامیده می‌شود] به خون بره و به کلام شهادت خود غالب آمدند، و تا به مرگ نیز جان خود را دوست نداشتند.» مکاشفه ۱۱: ۱۲، ۹. پدران و پیامبران، ۷۷.